



آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی؛

همراهی کار، نشاط و برکت^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵)

علی عربی^۲

حسین صمدی^۳

چکیده

آیین‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ، حوزه وسیعی از مفاهیم و کردارهای انسانی را شامل می‌شوند و از طریق آنها، بسیاری از رفتارها، باورها و اندیشه‌ها به نسل بعدی انتقال می‌یابند و خود باعث تداوم ارزش‌ها و هنجارهایی در جامعه می‌شود. پژوهش حاضر با هدف «معرفی آیین جشن کاکل گندم در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی» انجام شده است. به این منظور نگارندگان، با تکیه بر مطالعات میدانی و روش مصاحبه با سالمندان، دهیاران، کارشناسان و کاربران آیین مرسوم جشن کاکل در منطقه خضری دشت بیاض، به جمع‌آوری و توصیف این جشن پرداخته‌اند و برای حصول به نتیجه این جستار، گندم در باورها، مراحل کاشت، داشت و برداشت، آواها و اشعار مرتبط با این فعالیت‌ها و در نهایت، آیین کاکل گندم را بررسی کرده‌اند. براساس نتایج به دست آمده، برخی از کارکردهای خاص این آیین را می‌توان همیاری در کار گروهی، ایجاد شور و نشاط، ابراز شکر و سپاس به درگاه خداوند و کمک به مستمندان و فقرا دانست.

کلیدواژه‌ها: فولکلور، آیین، برداشت محصول، جشن کاکل، خراسان جنوبی، خضری دشت بیاض.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «معرفی آیین کاکل گندم در خراسان جنوبی» است که در سال ۱۳۹۷ برای مرکز تحقیقات صداوسیما در واحد پژوهش مرکز خراسان جنوبی انجام گرفته است. این پژوهش در بیست و دومین جشنواره مراکز استان‌ها که در سال ۱۳۹۸ در صداوسیما مرکز خراسان شمالی برگزار شد در بخش پژوهش‌های منجر به تولید صدا، حایز رتبه برتر گردید.

۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و کارشناسی جامعه‌شناسی، پژوهشگر صدا و سیما خراسان جنوبی، (نویسنده مسئول)، رایانامه: ali.arabi1360@gmail.com

۳. پژوهشگر فرهنگ عامه و فرهنگیار خضری دشت بیاض.

۱. مقدمه

فرهنگ عامل اصل پویایی، نشاط و تداوم حیات جوامع بشری، همچنین مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت است. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون هویت می‌یابند و یکی از شاخص‌های هویتی فرهنگ «آداب و رسوم و آیین‌ها» هستند. آیین‌ها را می‌توان موارث فرهنگی ناملموسی دانست که نسل به نسل به صورت شفاهی به ما منتقل شده‌اند؛ از طریق آیین‌ها، بسیاری از رفتارها، باورها، و اندیشه‌ها به نسل بعدی منتقل می‌شوند و خود، به تداوم ارزش‌ها و هنجارها در جامعه می‌انجامند. هر شهر و استانی در سطح کشور، آیین‌های ویژه خود را دارد، خراسان جنوبی هم با پیشینه غنی تاریخی و فرهنگی، آیین‌هایی خاص را به عنوان میراث فرهنگی ناملموس این سرزمین در دل خود جای داده است. با وجود تلاش‌هایی که در راه ثبت و ضبط آیین‌ها از سوی مردم‌نگاران صورت گرفته است، در دنیای مدرن امروزی این آیین‌ها و فرهنگ غنی و سرشار از تجربیات و معلومات گذشتگان روزه‌روز در حال فراموشی و کم‌رنگ شدن است. هدف اصلی این جستار، شناخت و معرفی آیین و آواهای کار «جشن کاکل گندم» در خراسان جنوبی، بویژه خضری دشت بیاض بوده است.

در پژوهش پیش رو، با توجه به موضوع و هدف اصلی سعی شده است از شیوه‌های مردم‌نگاری برای ثبت و ضبط مطالب و مدارک استفاده شود؛ بنابراین از مجموع روش‌های میدانی کتابخانه‌ای برای این کار بهره برده است. در مرحله اول، به منظور اطلاع و استفاده از پیشینه پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با یادداشت‌برداری از مستندات و ثبت و ضبط سایر مدارک و اسناد مکتوب، صوتی و تصویری، مطالب مرتبط با مراسم «جشن کاکل» در خراسان جنوبی گردآوری شده‌اند. در مرحله دوم، سعی بر این بوده است که برای دسترسی به اطلاعات میدانی بعد از شناسایی مطلعان محلی و دهیاران، به شیوه چهره به چهره، تلفنی و رایانامه، اطلاعات جمع‌آوری و ثبت شوند. در ضمن تا حد امکان از طریق مصاحبه حضوری، مشاهده و عکاسی نیز برخی از مطالب و مدارک ثبت و ضبط شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

درخصوص آیین کاکل گندم به طور مستقیم و خاص اثر مستقلى تدوین نشده است اما در مقالات و پژوهش‌های مرتبط با برداشت گندم، در مناطق دیگر، با نام‌های دیگر، اشارات نزدیکی به این آیین به چشم می‌خورد.

شهرزاد دوستی (۱۳۸۸) ضمن تبیین تقدس گندم نزد ایرانیان، در کتاب *گندم و نان* در فرهنگ مردم، به برداشت محصول در مناطق مختلف پرداخته و در مقاله‌ای با عنوان *گندم‌کاری در آینه شعر عامیانه (۱۳۸۶)* مراحل مختلف فعالیت کاشت، داشت و برداشت گندم، اعم از بذرپاشی، درو، ترانه کار، اشعار مناجاتی، صلوات‌خوانی، خوشه‌چینی، خرمن‌کوبی، خرمن‌افشانی، غربال‌کردن یا پیمان‌ه و کیسه‌کردن را بررسی کرده است.

سجادپور (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی که برای مرکز تحقیقات انجام داده، با هدف پرداختن به عناصر فرهنگی جمع‌آوری گندم، همچون قربانی کردن، مکان قدسی، برکت‌افزایی، باورها و آیین‌های مرتبط با برداشت گندم، اعتقادات پیرامون آن را در استان‌های لرستان همدان و کرمانشاه مورد مطالعه قرار داده است.

تنها اثری که در بخش‌هایی همچون ترانه کار برداشت، با مقاله پیش‌رو برابری دارد کتاب صمدی (۱۳۹۶) با نام فرهنگ مردم خضری دشت بیاض است که آن هم بدون اشاره به آیین‌های مرتبط با کاکل گندم، فقط به اشعار و دعا‌های مربوط به آن اشاره کرده است.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. گندم در باورها

اگر شخصی خرده نان یا تکه نانی را بر روی زمین بیند با آنچه می‌کند؟ آن را برمی‌دارد و گاه می‌بوسد و به گوشه‌ای که زیر پا لگد نشود می‌گذارد؛ برای دریافت این موضوع نیاز به بررسی آیین‌ها در گذشته داریم؛ یکی از آیین‌هایی که در ایران باستان

۱۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برگزار می‌شد، به «جشنواره تیرگان و مهرگان» معروف بود. مهرگان که پس از نوروز نزد ایرانیان باستان از مهم‌ترین جشن‌ها به شمار می‌رفته، از شانزدهم مهر تا بیست و یکم این ماه ادامه داشته است. این جشن به پاس نعمت‌هایی که خداوند یکتا بر انسان ارزانی داشته و برای تحکیم دوستی و محبت میان انسان‌ها برگزار می‌شده است. مهرگان مانند نوروز دارای اعتدال کیهانی است، یعنی اندازه شب و روز در این هنگام با هم برابر می‌شود، همچنین مهر برابر با پایان فصل کشاورزی است و از این رو، زمان مناسبی برای جشن و شادی و استراحت کشاورزان محسوب می‌شود. ایرانیان که به پاس توجه خداوند بزرگ به مردم سرزمین‌شان، باروری زمین‌های کشاورزی و برداشت محصول فراوان، به برگزاری این جشن می‌پرداختند، پس از پذیرش دین مبین اسلام، آن را با سنت‌های دینی درآمیختند، به نحوی که هم‌اکنون یاد خداوند و ذکر صلوات بر محمد مصطفی (ص) از شاخص‌های این مراسم است.

اول تیر ماه هر سال، جشن تیرگان را در مناطقی از کشور به شکرانه برداشت گندم برگزار می‌کنند. این جشن که ریشه در باورهای مردم دارد، تا امروز ادامه داشته است. نام دیگر جشن تیرگان، «جشن گندم» است که در طول حیات خود با تغییراتی مواجه بوده اما از بین نرفته است. در روز جشن تیرگان، مردم در محل جمع می‌شوند و برای خیر و برکت محصولات کشاورزی خود مراسم دعا و نیایش برگزار می‌کنند. جشن تیرگان که از دوران باستان، در روز سیزدهم تیر برگزار می‌شده، سال‌هاست که با ترکیبی از آداب و رسوم محلی و مراسم مذهبی مانند تعزیه‌خوانی، شکل خاصی به خود گرفته اما همچنان تا به امروز اجرا می‌شود. تاریخ این جشن به دلیل اینکه روز آغاز فصل تابستان، فصلی پرکار برای کشاورزان و بلندترین روز سال است، همچنین برداشت گندم به عنوان مهم‌ترین محصول کشاورزان این منطقه با آن آغاز می‌شود، به اول تیر ماه تغییر یافته است. نکته جالب در مورد جشن تیرگان، حرکت گام به گام این جشن با باورهای دینی مردم است چنان‌که امروزه تعزیه یکی از ویژگی‌ها و برنامه‌های این جشن باستانی است.

در برخی از آبادی‌ها و روستاهای ایران نیز متداول است که برای شروع درو و چیدن گندم‌ها، روز و ساعت خوشی تعیین می‌کنند و در آخرین روز که مقداری از

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۲۷

گندم در یک قطعه زمین باقی مانده، یک نفر ابیاتی را با صدای خوش و به صورت نوحه می خواند و بقیه در حین درو گندم، در پایان هر بیت صلوات می فرستند؛ نوحه خوان، اشعار را به نحوی می خواند که با تمام شدن درو گندم، خواندن او نیز به پایان برسد. به مناسبت پایان درو، هر خانواده به تناسب وسع مالی خویش به تعدادی از نیازمندان و همسایگان طعام می دهد، این طعام به جشن پایان درو گندم یا صلوات نامه معروف است که به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند، طلب خیر و برکت و رفع خستگی کارگران ترتیب داده می شود. ایرانیان به میمنت برداشت محصول گندم، قدر شناس خداوندند و در همین احوال، به نیازمندان کمک می کنند و سفره می گسترانند. آنان همواره طالب صلح، دوستی، آرامش، نوع دوستی و بویژه یگانه پرستی و سپاسگزاری از خداوند بزرگ برای نعمت های بی شمارش بر خاک این سرزمین بوده اند. (ریاحی، ۱۳۹۰: در پایگاه مجازی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری)

۳-۲. کاشت، داشت و برداشت گندم

گندم که قوت غالب مردمان این سامان است، در ابتدای پائیز که در اصطلاح گندم کاران به نسق معروف است، کشت می شود. در گذشته کشاورزان جزء، که اراضی قابل کشت شان کم بود و درآمد آن تکافوی مخارج سالانه را نمی کرد، به یاری دیگران می رفتند و به اتفاق، املاک مالکان بزرگ را اداره می کردند و از مالک که او را ارباب و بعضاً بادار می نامیدند؛ مواجهی غیر نقدی که به طور معمول، قسمتی از محصول به دست آمده بود، به عنوان کمک خرج زندگی دریافت می کردند. این مالکان جزء که هر چند نفری از آنها برای یک ارباب کار می کردند، در موسم نسق که آن را سُر سُر می نامیدند از کشاورزان خبره زورمند، یارگیری می کردند؛ دلیل نامیدن این مرحله آن بود که کشاورزان از ملک اربابی، به ملک ارباب دیگر سُر می خورند و به استخدام ارباب جدید درمی آمدند؛ ناگفته نماند که این عمل در میان چوپانان و گله داران نیز معمول بود.

۱۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نسق و ماه سُرسُری در اول مهرماه، شامل مراحل بارگیری جدید احیای زمین، آبیاری، شخم زدن و در نهایت بذر پاشی و کرت‌بندی بود. در هنگام بذرپاشی این وردها را به زبان می‌آوردند:

«بسم ... الرحمن الرحیم: به نیت پرنده، چرنده، روزی حلال خور، پول دوا و درمان و گرفتاری نشود و برکت خرمن»

در هنگام داشت، درو کردن کاکل و برداشت که اغلب به طور دسته‌جمعی انجام می‌گرفت، همچنین جمع کردن دسته‌ها (دسته‌کشی پشته‌کشی) و خرمن کردن گندم هم می‌گفتند:

دل ز مهر حیدر - و در پشته‌کشی لا اله الا ... اللهم صل علی دین محمد خوانده می‌شد

در موسم درو، کشاورزان با خانواده خود به سمت مزرعه به قصد درو می‌رفتند و اگر خانواده‌ای نسبت به دیگران کم‌جمعیت‌تر بود، باید به جبران آن، کسانی را به نام عمله اجیر می‌کرد؛ بعضی از مردان قوی‌تر مأمور می‌شدند دسته‌های گندم درو شده را با ریسمان پشته کنند و به محلی که از پیش انتخاب شده بود، ببرند و خرمن کنند، به این افراد پشته‌کش می‌گفتند و از بین آنان، شخصی که خوش صداتر بود، کار چاووشی را بر عهده می‌گرفت. دروگران معتقد بودند که وقتی گرمای داغ بیابانی در مزرعه بیداد می‌کرد، چاووشی باعث امداد غیبی می‌شد و نسیمی وزیدن می‌گرفت و خنکی حداقلی نصیب‌شان می‌شد که نعمت بزرگی بود.

غیر از عمله‌ها و خانواده کشاورزان، کسانی دیگر نیز در مزرعه فعالیت داشتند که به آنان خوشه‌چین می‌گفتند؛ خوشه‌چین حق داشت خوشه‌های از ساقه جدا شده دور از دسته‌های گندم را برای خود جمع‌آوری کند؛ این افراد به طور معمول، مستضعفانی بودند که توان کار نداشتند.

در نهایت دسته‌ها و پشته‌های گندم درو شده را جمع‌آوری و در جای مناسبی که از قبل انتخاب شده بود خرمن می‌کردند، و نوبت به مراسم خرمن‌کوبی می‌رسید. وسیله‌ای که با آن خرمن‌کوبی می‌کردند، از چوب ساخته می‌شد و نام داشت. همچنین به شکل یک کرسی برای نشستن کشاورز بود و دندان‌هایی چوبی در زیر آن می‌چرخید که

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۲۹

فرهنگ خراسان

شماره ۶۴ بهار ۱۴۰۰

باعث حرکت و نرم کردن و پخل‌ها^۱ و خوشه‌های گندم می‌شد. این بار دو به وسیله طنابی به گردن یک یا دو گاو بسته می‌شد و گاوها روی خرمن می‌چرخیدند و بار دو را با سواران به دنبال خود یدک می‌کشیدند، دو نفر از کشاورزان هم که کنار «سیوگر» بودند، کناره‌های خرمن را زیر بار دو می‌ریختند و به این ترتیب، خرمن نرم می‌شد و زمانی می‌رسید که کشاورز منتظر وزیدن نسیم می‌ماند تا وقتی با وسیله‌ای به نام چهارشاخ که آن را از چوب می‌ساختند، خرمن نرم شده را به هوا می‌پاشید، نسیم گاه را کمی دورتر از گندم ببرد، و این‌گونه گندم از گاه جدا شود. اگر هم کمی گاه و کلش با گندم باقی می‌ماند؛ به وسیله غربال و چقیل جدا می‌کردند؛ در این زمان از طریق سالار به بادار و ارباب اطلاع داده می‌شد که خرمن آماده است و ارباب می‌آمد و خرمن را مهر می‌کرد تا دیگر شرکا جمع شوند و آنگاه وقت توزین و تقسیم گندم فرا می‌رسید. البته پس از کوبیدن خرمن گندم یا جو که زمان باد کشیدن می‌رسید، مراسم ویژه‌ای را اجرا می‌کردند و باورهایی در خصوص آن داشتند؛ برای مثال، روی خرمن آب نمی‌آوردند، می‌گفتند برکتش را آب می‌برد، یا اینکه شب جمعه آوردن محصول به خانه را بدیمن می‌دانستند و برای آمدن باد یا نسیم و جلوگیری از افتادن کار «بادکشی و چک زدن» خرمن درست شمال، پوسته تخم مرغی را سر چوب آویزان می‌کردند و سوره‌هایی می‌خواندند. مراسم توزین و پیمانانه کردن و تقسیم گندم‌ها نیز اغلب به رسم ورزشکاران زورخانه‌ای، با اشعاری همراه بود؛ کیل و پیمانانه‌ای انتخاب و شمارش آغاز می‌شد و با شروع هر پیمانانه، وردی را ضمیمه می‌کردند:

ترازوی اول، خدا یک است و دو نیست

دوم، محمد رسول خداست

سوم، علی ولی خداست

چهارم، هزار صلوات بر محمد و آل محمد

پنجم، پنجه علی است

ششم، برکت از بهشت

۱۳۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هفتم، هفت هزار صلوات بر محمد و آل محمد

هشتم، برکت از بهشت

نهم، نبی را صلوات

دهم، دهنده بی منت خداست

یازدهم، الحمدالله

دوازدهم، به حق دوازده امام برکت دهنده

سیزدهم، زیاده است خدا را شکر

چهاردهم، روزی حلال خوب به حق چهارده معصوم پاک

و به این ترتیب، گندم تقسیم می‌شد؛ سپس سهم ارباب را به انبار ارباب و سهم خود را هم هر یک از کشاورزان به خانه می‌بردند و در کندوک گلی جای می‌دادند. گاه خرمن را نیز به همین نحوه تقسیم می‌کردند و برای مصرف احشام به کاهدان منازل می‌بردند.

۳-۳. اشعار و آواهای کار گندم

- نجوای درخواست باد و نسیم شمال برای بادکشیدن خرمن:

سر کوه بُلن الماس و الماس	مرادم را بده یا حضرت ابوالفضل العباس
مرادم را بده که بی‌مرادم	که خرمن کوفته‌ام محتاج بادم
شمال صبح اگه پیدا نمی‌شد	دهان غنچه گل وا نمی‌شد
اگر لیلی را می‌دادن به مجنون	به دنیا این چنین رسوا نمی‌شد
عجب بادی به روی گلشن آمد	که عمر رفته‌ام بازم بر تن آمد
دو چشم کور یعقوب گشته روشن	که بوی یوسف از پیراهن آمد

- نجوای هنگام توزین و تقسیم گندم:

برکت کار کاسبان	قوت کار دهقانان
تندرستی جمع حاضر	که بر محمد و آل محمد صلوات

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۳۱

- هنگام گرداندن گوسفند قربانی و نذری کاکل گندم:

اول است الله آخر است الله

بر دل مومن ذاکر است الله

اول خوانیم خدا را	رسول انبیا را
صل علی محمد	صلوات بر محمد
صلوات را خدا گفت	جبرئیل بارها گفت
در شأن مصطفی گفت	صلوات بر محمد
شاه نجف علی است	سرور دین علی است
نور خدا علی است	صلوات بر محمد
یارب به حق زهرا	شفیع روز جزا
یعنی که خیرالنسا	صلوات بر محمد
بعد علی حسن بود	چو غنچه در چمن بود
نور دو چشم من بود	صلوات بر محمد
بوی حسین شنیدم	چو گل به غنچه دیدم
به آرزو رسیدم	صلوات بر محمد
زین العابد بیمار	یعنی که شاه کبار

صلی علی محمد صلوات بر محمد

- چاوشی در هنگام درو:

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا ترسم اندر دل بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

ز تربت شهدا بوی سیب می آید ز توس بوی رضای غریب می آید

برو به شهدالرضا زیارت کن آقا بین که بوی غریب از غریب می آید

به شاه قبله طلا حضرت رضا صلوات

۱۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- نوای دسته جمعی در برداشت و درو
 که سرگروه کلماتی همچون (نام خدا/ مشکل گشا/ اول کار/ گفتارها/ هرکجا/ دور از
 بلا/ مهر و وفا/ وقت دعا/ بر آخر کار) را بر زبان می آورد و کارگران در پاسخ «بسم ا...»
 می گویند؛ همچنین با گفتن (یاور قرآن/ مرد مجاهد/ یار پیامبر/ مرد مبارز/ فاتح خیبر/
 مرد مقاوم/ ضد ستمگر/ دشمن ظالم/ حامی اسلام/ شهید محراب) از سوی سرگروه،
 دیگران در پاسخ (علی) می گویند:

چاووش خوان: پاسخ کارگران:

نام خدا	بسم ا...
مشکل گشا	بسم ا...
یاور قرآن	علی
یار پیامبر	علی

- آوای محلی هنگام برداشت گندم:

رسیده گندم و جوه های خضری	بساطی پهن شده با آس نذری
حرسو هی بدو ای سو و او سو	درویی گشته گندم های کشمو
از ای گرما نهیب اومد به سویم	خدایا کحل بشکن سببیم
کشاورزانی و خوبه به منگال	نه خی مار در غلم در جار و جنجال
درو افتیده منگال نلدرم	مه خو بیکاره ام حال نلدرم
مگن ترسیده دیو از ای دروها	چه ساخته ای درو باد کیه جوها
باید روز درو با هم کمک شم	رو پا بجس کنم و تک و پک شم
ور خو مگر دسراره دتو شو	غلام بجست و ملاسه دخو شو
کنم سر جمع تموم کشته هی خور	شغز گردو کنم ای پشته هی خور
در این پشته کشی کسی پهلو نه	به زیر پسته ها جادار بمونه

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۳۳

توی تیره پخل کردم خدایا	پایم بشکست بغل کردم خدایا
بیا چند تا ببر همبند رندم	طناب پشته‌ها ر بر خود نبندم
سر ریسمو اگر گیری ز دستم	الهی خیر بینی ناز شستم
کشم او را به خرپیل دور خرمه	کند جعفر بگوید وای بر مه
کند خرمن درست در چند فلاح	مه با ریشخند گویم بارک‌الله
خیال آسوده شو از ای همه رنج	به دست اومد به آسونی دو صد گنج
بیا کمباین درو کن دشت خضری	تصدق‌ها دهیم گوسفند نذری
الهی شکر تو الحمدالله	کمک کار جدید هم اومد از راه
نه خرمن لازمه نه خوشه‌چینی	نه آزار درو خیرش بینی
جدا شد گندم‌ها از گاه‌ها بی باد	ببر سیلو ندارد داد و فریاد

۳-۴. توصیف آیین کاکل گندم

آیین کاکل گندم از جمله رسومی است که مردم به شکرانه الطاف الهی بر پا می‌کنند و در واقع، نوعی مراسم شکرگزاری است. آیین کاکل درو یا همان جشن کاکل در بسیاری از روستاهای خراسان جنوبی برگزار می‌شود.

کاکل در واقع به هم پیچیدگی بخشی از گندمزار است، که بر اثر وزش باد و تراکم بوته‌های گندم در قسمتی که بوته‌ها دارای ارتفاع و مقاومت بیشتر و به طبع، دانه‌های درشت‌تر هستند، به وجود می‌آید. اصطلاح کاکل در واقع به بخش بالایی چیزی اطلاق می‌شود که از مجموع عناصر تشکیل دهنده آن ایجاد شده، مانند کاکل کبوتر که از مجموعه یا اوج پرهای کبوتر حاصل شده یا کاکل کوه که از مجموع شیب‌های تشکیل دهنده کوه، پدید آمده است. کاکل در گندمزار، از مجموع ساقه‌های گندم که به سمت آسمان رشد کرده و در هم پیوسته و پیچیده‌اند، تشکیل می‌شود.

(سرفرازی، ۱۳۹۳)

۱۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بر اثر وزش بادهای موسمی، گندم در حال رشد، در آن قسمت از مزرعه که دارای فشردگی بیش از حد است، پیچ می خورد و پس از خوشه بستن به شکل یک دسته گل، در حالی که اغلب خوشه های آن رو به جنوب است، شکلی را پدید می آورد که به آن کاکل گندم می گویند و معتقدند که این امر نشانه لطف خداوندی و برکت عیان است؛ صاحب مزرعه از این امر بسیار خرسند و مفتخر می شود و گوسفندی را به قصد قربانی بر دوش می گیرد و دور این کاکل درو نشده می چرخاند، سپس آن را ذبح و گوشت اش را بین فقرا تقسیم می کند. (صمدی، ۱۳۹۸)

کشاورزان و صاحب مزرعه هم که از دور کاکل را می بینند، همه به کشاورزی که زمینش کاکل دارد، تبریک می گویند و یادآور می شوند که زمین گندمزارش، برکتی و خوچه خضری شده است و باید نذر گوسفند کند و جشن آیینی کاکل گندم را برگزار کند، چون باور دارند که اگر کوتاهی کند، به او ضرر و زیان خواهد رسید؛ از این رو، بره و بزغاله ای را تهیه و برای روز درو آماده می کنند تا جشن به نحو احسن برگزار شود. وقتی کار برداشت گندم شروع شد، صاحب کاکل دوستان را خبر می کند و پس از آنکه همه جمع شدند، یکی گوسفند را بر پشت خود سوار می کند و دور خرمن می چرخد و ذکرهایی را که صلوات دارند می خواند. رقص محلی و چهاربیتی هم جزء مراسم است، وقتی چند دور زد گوسفند را ذبح و پوست می کنند و با گوشت آن برای جشن غذا می پزند و مقداری هم به فقرا می دهند و به خانه می برند و بین خود و فرزندان تقسیم می کنند؛ رسم است که تا وقتی از گردن گوسفند خون جریان دارد، دعا می خوانند و صاحبان خرمن های دیگر، خوشه هایی از خرمن خود را می آورند و به خون گوسفند نذری آغشته می کنند و برای برکت به خرمن خود می برند و آرزو می کنند زمین آنها هم برای سال آینده کاکل داشته باشد تا جشنی برپا کنند. حاضران با خرما و شیرینی صاحب کاکل پذیرایی می شوند و بعد از ساز و آواز و رقص محلی، نوبت نهار می رسد که با هم به مهربانی سرسفره می نشینند و از غذای نذری اطعام می شوند و به مستمندان هم مقداری اهدا می کنند و در موقع خداحافظی، تشکر از همسایه صاحب خرمن را وظیفه می دانند و از خداوند برای زمین خود تقاضای کاکل می کنند تا دورهمی و جشنی برگزار شود و به این بهانه، یک روز را خوش و خرم بگذرانند. (همان)

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۳۵

نحوه برپایی جشن این گونه است که برای تشخیص اینکه آیا پیچش خوشه‌های گندم کاکل محسوب می‌شود یا خیر ابتدا چند تن از سالارهای قدیمی^۱ و خبرگان محل می‌آیند و نظر می‌دهند که این کاکل هست یا نه. کاکل گندم این گونه است که: بوته‌های گندم از چند نقطه زمین دور هم جمع می‌شوند و مانند یک چتر از وسط این کاکل خوشه‌های گندم در جهت قبله بلند می‌شود. اگر خوشه‌ها رو به قبله نباشد، درهم پیچیدگی آنها کاکل به حساب نمی‌آید. (سرفرازی، ۱۳۹۳)

بر اساس اعتقاد کشاورزان شهر سده، کاکل نشانه‌ای از لطف و مرحمت خداوند نسبت به دهقانان است، این لطف نصیب هر دهقانی نمی‌شود. چون همه زمین‌ها شبیه هم هستند و آب قنات هم مشترک است. ولی دهقانانی که شکر خدا را به جای می‌آورند و عمل خیر انجام می‌دهند محصولشان بیشتر می‌شود و در بین گندمزارشان، قسمتی به عنوان کاکل که بوته‌های گندم آن بلندتر و دانه‌هایش هم درشت‌تر است، به وجود می‌آید. (شب‌های ایران، رادیو خراسان جنوبی، ۲۵ دی ماه ۱۳۹۳).

مردم معتقدند در هر زمین، کاکل ایجاد نمی‌شود؛ هر از چند گاه در زمینی به عنوان تبرک، یک کاکل تشکیل می‌شود و مردم هم بسیار به آن احترام می‌گذارند و آن را ارج می‌نهند. کاکل را نتیجه خیر و برکت زمین و حاصل لطف خدا می‌دانند و برکتی را که خدا به آنها حواله کرده، به فال نیک می‌گیرند. (همان)

باد خوشه‌های کاکل را دایره‌وار درهم می‌پیچد و به سمت قبله خم می‌کند؛ خوشه‌های کاکل، بلندترین خوشه‌های گندم‌زار هستند، به طوری که از فاصله دور قابل رویت‌اند، به عقیده مردم، خم شدن کاکل به سمت قبله، نمادی از نیایش و تعظیم در پیشگاه خداوند است؛ بنابراین، درو کردن کاکل در گندم‌زار، جزء آخرین مرحله دروی زمین کشاورزی است؛ اگر شخصی چندین قطعه زمین گندم‌زار داشته باشد، آخرین خوشه‌هایی که درو می‌کند، گندم‌های کاکل است، حتی برخی موارد از یک قطعه زمین تمام گندم‌هایش را درو می‌کنند و بخش کاکلی را برای آخرین لحظه درو یا آخرین روز نگه می‌دارند تا با برپایی جشن کاکل درو، خستگی از تن دروگران بیرون برود. (همان)

مالک زمین هنگامی که هنوز بوته‌های گندم سبز است به وجود کاکل در کشتزارش پی می‌برد، تدارکات جشن کاکل را می‌بیند. مهم‌ترین اقدام، تهیه قربانی است که اغلب بر حسب وسع و توانایی مالک در نظر گرفته می‌شود. یکی از انواع احشام یا مرغ و طیور را برای این منظور نشان می‌کنند و به اهل خانواده می‌گویند فلان حیوان را برای قربانی کاکل امسال در نظر گرفته‌ام.

وقتی تمام قسمت‌های زمین کشاورزی درو شد، بخشی را که کاکل در آن قرار دارد، به عنوان آخرین ناحیه‌ای نگه می‌دارند که بوته‌های آن درو می‌شود. به طور معمول، با توجه به ساخت و شکل این بخش که به صورت هرم درآمده است، جانورانی مانند مار، انواع پرندگان و حیوانات دیگر، این قسمت را به عنوان لانه انتخاب می‌کنند و از طرفی حین دروی دیگر بخش‌ها، حیوانات درون مزرعه هم به داخل این قسمت هدایت می‌شوند. به همین دلیل کشاورزان درو را به روز بعد موکول می‌کنند، تا چنانچه حیوانی به آنجا پناه آورده است، به اختیار خودش محل را ترک کند و به جای دیگری منتقل شود، سپس لانه و پناهگاه را تخریب می‌کنند. کشاورزان معتقدند که این حیوانات خود را در کاکل که همان لطف خداوند است، شریک کرده‌اند و در استفاده از آن سهیم‌اند؛ به همین دلیل سعی دارند که از سوی جوان‌ترها و دروگرها به این حیوانات حتی انواع موذی و خطرناک آنها، آسیبی نرسد. (همان)

دهقان همان روزی که برای اولین بار متوجه وجود کاکل می‌شود، به شکرانه، دو رکعت نماز شکر به جای می‌آورد و با مراجعه به روحانی محل، این مهم را به اطلاع او می‌رساند، روحانی محل نیز پس از اطلاع، به اتفاق تعدادی از ریش‌سفیدان محل و کشاورزان عمده و از هر شبانه روز شراکت آب قنات یک نفر، به محل می‌روند و در مسیر حرکت، یک نفر به عنوان چاووش خوان و برای تیمم و تبرک، ابیات و رباعیاتی را به صورت چاووشی می‌خواند. به محل کاکل که می‌رسند، نماز شکر به جای می‌آورند و دور کاکل دور می‌زنند و به شکرانه، ورد می‌خوانند.

سپس روحانی دعای مخصوص کاکل را می‌خواند و برای اموات مالک و حاضران، فاتحه ختم می‌کنند و برای همگی، آرزوی سلامتی می‌کنند و طلب دعا می‌کنند و

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۳۷

فرهنگ خراسان

شماره ۶۴ بهار ۱۴۰۰

دیگران آمین می‌گویند. روحانی اجازه می‌دهد گوسفندی را که برای قربانی کردن در نظر گرفته شده، به محل بیاورند و قربانی کنند. برای قربانی کاکل، روحانی بر روی کارد و چاقوی قصابی دعای ذبح می‌خواند و گوسفند ذبح شده را قطعه قطعه می‌کنند و پخته و خورشت آن را به همراه نان در میان اهالی روستا مخصوصاً و بویژه فقرا تقسیم می‌کنند و مراسم شکرگزاری را با اهدای قربانی به جای می‌آورند. در گذشته گوشت گوسفند را می‌پختند و در ورودی روستا، به هرکس که از درو برمی‌گشت، یک کاسه آبگوشت با قطعه‌ای از گوشت پخته و دو عدد نان می‌دادند. (همان)

هنگام دروی کاکل، هرکدام از سالاران و دروگران و مالکان عمده یک عدد دستکاله یا منگان به دست می‌گیرند و دور تا دور کاکل دور می‌زنند و اشعاری می‌خوانند و کاکل را درو می‌کنند.

من آمده‌ام درو به منگال کنم	هی‌ها هو	اغذر بیرم که خرجی سال کنم	ای ولله
من آمده‌ام درو به دستکاله کنم	هی‌ها هو	اغذر بیرم که خرج یکساله کنم	ای ولله
آقای منی نام تو عباس بود	هی‌ها هو	شمشیر علی بر کمرت راست بود	ای ولله
آقای منی از تو عطا می‌خواهم	هی‌ها هو	صد من گندم و یک قبا می‌خواهم	ای ولله

از سه نقطه کاکل هر کدام از دروگرها یک مشت درو می‌کنند و سپس، سجده شکر به جای می‌آورند، دهقانان دیگر نیز هرکدام یک دسته از کاکل درو کرده را به عنوان تبرک به خانه‌هایشان می‌برند و در میان گندم‌هایشان قرار می‌دهند و از خدا می‌خواهند که این لطف را سال دیگر در حق آنها روا دارد. مطالعات فرهنگی

پس از قربانی و دعا، کاکل به طور کامل درو می‌شود. در این هنگام، مستمندان روستا که از مراسم آگاه شده‌اند، به محل می‌آیند و مالک با مشاهده این افراد مقداری از گندم‌های درو شده را در سبد آنها قرار می‌دهد. مالک زمین، کاکل خوشه‌های گندم درو شده از کاکل را نوعی نماد افتخار می‌داند و آن را در قسمتی از خانه آویزان می‌کند؛ تعدد خوشه‌های موجود در خانه کشاورز، بیانگر توانایی و لطف خدا به اوست. (همان)

برخی از مراجعان اشعاری با این مضمون می‌خوانند.

۱۳۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

الله تویی از دلم آگاه تویی گمراه منم برنده راه تویی
هر مورچه‌ای که دم زند در ته چاه از دم زدن مورچه آگاه تویی

دریافت گندم صرفاً برای مستمندان نیست و اهالی بسیاری به خصوص خوشه‌چینان به محل می‌آیند و به بهانه برکت یا شیرینی این جشن، اشعاری می‌خوانند و گندم دریافت می‌کنند:

ای سر سالار دهقانان خدا قوت دهد خوشه‌چینان و دروگرها خدا قوت دهد
از دروگر، خوشه‌چین و پشته‌بند و پشته‌بر ای عرق‌ریزان این صحرا خدا قوت دهد
ای عرق بر چهره‌افشانان خدا قوت دهد باعث رزق مسلمانان خدا قوت دهد

پس از دریافت گندم نیز دعای خیری برای صاحب گندمزار می‌کنند. (همان)

۴. جمع‌بندی

طبق مطالب گردآوری شده پژوهش حاضر می‌توان گفت که مجموعه آیین‌های کار خضری دشت بیاض و از جمله آیین جشن کاکل، کارکردها و جلوه‌های زیبایی را به نمایش می‌گذارد؛ به طوری که شکرگزاری و اعتقادات دینی در این آیین‌ها نقش اساسی دارد و اغلب با دعا و نیایش و حضور یک روحانی همراه است. در مراسم جشن کاکل گندم هم این موضوع به وضوح نمایان است؛ همچنین توجه به نیازمندان و فقرا که به بهانه این آیین مورد احسان قرار می‌گیرند.

در مجموع می‌توان گفت، آیین‌های یک منطقه خاص، کارکردهای مشترکی دارند که مطابق مطالب این پژوهش، برخی از آنها در جشن کاکل هم به خوبی نمایان و شامل موارد زیر است:

۱. ابراز شکر و سپاس به درگاه خداوند که زمینه اصلی فرهنگ قناعت است.
۲. آموزش از خودگذشتگی و تقسیم شادی‌ها در هنگام دریافت الطاف الهی.
۳. کمک به مستمندان و فقرا یا کسانی که فاقد زمین و املاک کشاورزی هستند.

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۳۹

۴. کسب جایگاه اجتماعی به واسطه بانی شدن در برپایی جشن.
 ۵. اعلام و اجرای مراسم جشن اختتامیه برای کار بسیار دشوار دروی گندم.
 ۶. فرهنگ احترام به حیوانات و آموزش آن به نسل بعد.
 ۷. همیاری در کار دروگری.
 ۸. احترام به اعتقادات مذهبی
- در مطالعات مردم‌شناسی، ادبیات شفاهی و جایگاه آن در فرهنگ عامه اهمیت بالایی دارد. یافته‌های موجود بیانگر این مهم در مطالب گردآوری شده است که اشعار، مثل‌ها و متل‌ها بیشتر از عکس‌ها و نوشته‌ها، گویای زوایای پنهان آیین‌ها هستند، در بخش آواهای کار جشن کاکل مشاهده شد که باورها و اعتقادات دینی اسلام، مبنای اکثر چاووش‌خوانی‌ها و زمزمه‌ها و آواهای کار برداشت گندم است و به اعتقاد خود کشاورزان، این اعتقادات، در برابر گرمای طاقت‌فرسای تابستان، نیرو و توان دروی گندم‌ها؛ و از طرفی، برکت هر چه بیشتر محصولات را به آنان عطا می‌کند.

منابع

- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: آستان قدس رضوی.
- پارسا، محمد (۱۳۸۳). زمینه روان‌شناسی نوین. چاپ بیستم، تهران: بعثت.
- تایسن، گیس (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. ویراستار: حسین پاینده. تهران: نگاه امروز، حکایت قلم نوین.
- توفیق، عباس (۱۳۸۷). «دکتر محجوب، فرهنگ مردم، و فکاهیات». فرهنگ مردم. پاییز و زمستان. شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۳۱۶ - ۳۱۲.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۸۴). «ادبیات شفاهی اقوام بدوی». کتاب ماه ادبیات و فلسفه. اردیبهشت. شماره ۹۱. صص ۱۰۷ - ۱۰۲.
- دوستی، شهرزاد (۱۳۸۶). «گندم‌کاری در آئینه شعر عامیانه». فرهنگ مردم ایران. شماره ۹، تابستان، صص ۵۲ - ۲۳.

۱۴۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- دوستی، شهرزاد (۱۳۸۸). **گندم و نان در فرهنگ مردم**. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۷). «از گذشته‌ها...». **خراسان پژوهی**. شماره ۲. سال اول. پاییز و زمستان. صص ۱۳۰ - ۱۲۳.
- رضایی، جمال (۱۳۸۱). **بیرجندنامه**. تهران: هیرمند.
- سجادیپور، فرزانه (۱۳۸۸). «آیین‌های گردآوری گندم در فرهنگ مردم (حوزه فرهنگی غرب ایران)». **گزارش پژوهشی**. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- صمدی، حسین (۱۳۹۶). **فرهنگ مردم خضری‌دشت بیاض**. بیرجند: چهار درخت.
- عابدی، حمید (۱۳۸۵). «رسوم آیینی و ارزش‌های اخلاقی». **حدیث زندگی**. خرداد و تیر ۸۵، شماره ۲۹.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۱). «فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی». **کتاب ماه هنر**. فروردین و اردیبهشت. صص ۸۵ - ۸۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸). **انسان‌شناسی یاریگری**. تهران: ثالث.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). **ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)**. جلد اول. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: نشر چشمه.
- Burne, Charlotte Sophia. (1914). **Handbook of Folklore (sente Handbook)**. London: Sidgwick & Jackson, LTD.

منابع صوتی

- رادیو خراسان جنوبی، برنامه شب‌های ایران، جشن کاکل، ۲۵ دی ماه ۱۳۹۳.

آیین «کاکل گندم» در خضری دشت بیاض خراسان جنوبی ❖ ۱۴۱

راویان

- اسدی، حسین، ۶۶ ساله، لیسانس، دبیر بازنشسته محقق مردم‌شناسی، ۱۳۹۷.
- توکلی، پرویز، ۶۵ ساله، علوم نظامی، بازنشسته ارتش، متولی موقوفات خیرات، ۱۳۹۷.
- زارع، محمد، ۴۴ ساله، دیپلم، مدیرگروه موسیقی محلی نوای کویر، ۱۳۹۷.
- زنگویی، فاطمه، ۶۸ ساله، پنجم ابتدایی، خانه‌دار، ۱۳۹۷.
- سرفرازی، غلامحسین، ۶۵ ساله، فوق‌دیپلم، بازنشسته آموزش و پرورش، ۱۳۹۷.
- سلحشور، حمیدرضا، ۴۵ ساله، فوق‌لیسانس، معاونت صدای استان خراسان جنوبی، ۱۳۹۷.
- صرافیان، علی، ۴۰ ساله، لیسانس، مسئول وقت میراث فرهنگی قاین، ۱۳۹۷.
- صمدی، حسین، ۷۹ ساله، لیسانس، بازنشسته آموزش و پرورش و فرهنگیار، ۱۳۹۷.
- غلامی، محمدحسین، ۵۵ ساله، دیپلم، بازنشسته ارتش کشاورز، ۱۳۹۷.
- فولادی، حاج‌محمد، ۸۴ ساله، ششم قدیم، معمار، روحانی روستای خور، ۱۳۹۷.
- قربان‌زاده، علیرضا، ۴۰ ساله، کارمند، کارشناس ارشد مردم‌شناسی، ۱۳۹۷.
- کاهنی، فریبا، ۴۷ ساله، لیسانس، کارشناس مردم‌شناسی اداره‌کل میراث فرهنگی، ۱۳۹۷.
- محجوبی، علی، ۴۰ ساله، لیسانس، دهیار اسبق روستای خور، ۱۳۹۷.
- مختاری، حسن، ۴۰ ساله، دیپلم، راوی سنتی و محلی، ۱۳۹۷.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی